



۱- نقطه آغاز و تحول زبان‌شناسی کاربردی چگونه بوده است؟

۲- مسایل زبان‌شناسی کاربردی کدام هستند؟

۳- چه ارتباطاتی بین زبان‌شناسی کاربردی و زبان‌شناسی نظری وجود دارد؟

۴- چه ویژگی می‌تواند ویژگی مشخصه زبان‌شناسی کاربردی باشد؟

هر رویکردی به شناخت زبان‌شناسی کاربردی باید به پرسش‌های بالا پاسخگو باشد. این نوشته به همین منظور پاسخ‌هایی را ارائه می‌دهد.

□ نقطه آغاز تحول زبان‌شناسی کاربردی چگونه بوده است؟

□ زبان‌شناسی کاربردی در دو مفهوم زیر شناخته شده است: کاربرد آنچه از زبان می‌دانیم برای حل مسایلی که زبان در آن نقش مهمی دارد، کاربرد یافته‌های زبان‌شناسی (مطالعات زبان‌شناختی) برای حل مسایل آموزش زبان خارجی (انگلیسی) به بومی دیگر زبان‌ها.

زبان‌شناسی کاربردی در مفهوم اول سابقه‌ای طولانی‌تر از خود زبان‌شناسی دارد. انسان به خاطر علاقه به قصه، شعر و شاعری توجه و نگرشی به زبان خود پیدا کرد. بعدها به نیت ارتباط با نسل‌های آینده به ابداع خط و زبان نوشتاری پرداخت که نگرش او به زبان گسترده‌تری و ژرفای بیشتری داد تا توانست وقایع و فرهنگ زبان خود را بر روی پوست حیوانات و سنگ‌ها به نسل‌های بعدی خیر دهد و همچنین به توصیف زبان‌های خود بپردازد. هر یک از این موارد را می‌شود از اولین نمونه‌های زبان‌شناسی کاربردی ذکر کرد.

زبان‌شناسی کاربردی در این مفهوم در طول زمان متحول شد و شاید سه تعریفی که از زبان‌شناسی کاربردی در این مفهوم ارائه می‌شود بتواند ماهیت این تحول را نشان دهد:

- کاربرد آنچه از زبان می‌دانیم در راه حل مشکلات و مسایل زندگی

- استفاده از دانش زبانی برای حل مسایلی که زبان در آن نقش مهمی دارد

- استفاده از یافته‌های زبان‌شناسی (مطالعات زبان‌شناختی) برای حل مسایلی که بیرون از حوزه پژوهش‌ها و مطالعات زبان‌شناختی قرار دارد.

از زبان‌شناسی کاربردی تعریف‌های دیگری هم می‌شود ارائه داد ولی این سه برای شرح ماهیت تحول در زبان‌شناسی کاربردی کافی خواهد بود.

«آنچه از زبان می‌دانیم» و «دانش زبانی» در تعریف اول و دوم بدین معنی است که آنهایی که از زبان برای حل مشکل استفاده می‌کردند از زبان همان نوع و همان اندازه می‌دانستند که هر اهل زبانی ناخودآگاه می‌دانند. دانش زبانی از پیش فرض شده و تدوین شده وجود نداشته است. این گفته که زبان‌شناسی کاربردی قدمت بیشتری از خود زبان‌شناسی دارد بدین معنی است. انسان‌های گمنامی که به ابداع خط و زبان نوشتاری همت بستند، چه آنهایی که خواستند زبان خود را به دیگری یاد دهند و چه آنهایی که پس از مدتها به توصیف، مقایسه و طبقه‌بندی زبان‌ها پرداختند و حتی دانشمندانی چون Jespersen و Schleyer و Zamenhof که به ابداع و ساخت زبان‌هایی پرداختند، الزاماً از پیش نظریه منسجمی در باب ماهیت زبان نداشتند. خلاقیت و نبوغ آنها در کاربرد دانش غریزی که هر کسی از زبان خود دارد به آنها کمک کرد، نه نظریه‌های زبان‌شناختی که از طریق علمی و آزمایشگاهی به دست آمده باشد.

تعریف سوم تحول گسترده و عمیق‌تری در زبان‌شناسی کاربردی را نشان می‌دهد که در بخش ارتباط زبان‌شناسی نظری به آن بیشتر خواهیم پرداخت. در اینجا تنها به ذکر یکی دو نکته می‌پردازیم که به ما در درک بیشتر زبان‌شناسی کاربردی کمک می‌کند. در این تعریف به «یافته‌های زبان‌شناسی» یا «یافته‌های مطالعات زبان‌شناختی» اشاره می‌شود تا نشان داده شود در این زمان حوزه مطالعاتی به نام زبان‌شناسی وجود داشته و ماهیت «کاربرد» عوض شده است؛ نظریه و «عملکرد» از هم متمایز شده‌اند. ذکر این نکته لازم است که در دو تعریف پیشین از زبان‌شناسی کاربردی اشاره‌ای به تفکیک نظریه و عملکرد و یا تقدم و تأخر آنها نبوده است. توجه بیشتر بر حل مشکل بود و از این راه اگر دانش و تجربه‌ای به دست می‌آمده، برای حل بهتر و جامع‌تر آن مشکل و مشکلات دیگر بوده است. همچنین می‌بینیم در دو تعریف پیشین اشاره‌ای به تفکیک حوزه کاربرد نیست، در حالی که در تعریف سوم تأکید بر کاربرد یافته‌های مطالعات زبان‌شناختی در حوزه‌های غیر زبان‌شناختی است. با این حساب کاربرد دانش زبانی برای توصیف

## در عرض کمتر از چهار دهه

### «آموزش زبان انگلیسی به دیگران»

### معادلی شد برای زبان‌شناسی کاربردی و دیگر فعالیت‌های

### زبان‌شناسی کاربردی به فعالیت‌های حاشیه‌ای تبدیل شدند

در سال ۱۹۵۷ در شهر واشنگتن دی، سی تأسیس شد. دانشگاه میشیگان به حمایت بنیاد فورد و بعدها فولبرایت پروژه‌های بزرگ تحقیقات برای آموزش انگلیسی در کشورهای افریقایی و تهیه و تدوین مطالب درسی راه انداخت. در همان سال فصل‌نامه (Language Learning: A Journal of Applied Linguistics) منتشر شد. شکوفایی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در سالهای بعد از جنگ جهانی و وقایعی که در بالا به آنها اشاره شد موجب گردید زبان‌شناسی جدید برای اثبات فرضیه‌های خود توصیف‌های زبان‌شناختی از زبان انگلیسی ارایه دهد و زبان‌شناسان کاربردی (متخصصین تازه فارغ‌التحصیل آموزش زبان‌های خارجی) از آنها برای برنامه‌های آموزش انگلیسی و تهیه و تدوین مطالب و کتاب‌های درسی استفاده کنند.

با این ترتیب در عرض کمتر از چهار دهه «آموزش زبان انگلیسی به دیگران» معادلی شد برای زبان‌شناسی کاربردی و دیگر فعالیت‌های زبان‌شناسی کاربردی به فعالیت‌های حاشیه‌ای تبدیل شدند. در حال حاضر کمتر دانشگاهی در دنیا می‌توان پیدا کرد که در آن هنوز دوره آموزش انگلیسی در مقاطع مختلف تحصیلات تکمیلی وجود نداشته باشد. در کشور خود ما حداقل در چهار دانشگاه دوره‌های دکتری و کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی به خارجیان دایر است و محتوای آموزشی این دوره‌ها شامل زبان، مسایل آن و تعلیم و تربیت است. معظم‌ترین ناشرین بین‌المللی بیشترین نشریات خود را در زمینه آموزش انگلیسی به خارجیان دارند و دو انجمن TESOL (آمریکا) و IATEFL (انگلستان) از پراعضاترین انجمن‌های علمی دنیا هستند.

تأکید این نکته در اینجا لازم است که با وجود این همه گستردگی و پیشرفت در «آموزش انگلیسی به دیگران» و معطوف شدن بیشترین پژوهش‌ها در زبان‌شناسی کاربردی به حل مسایل آموزش انگلیسی به دیگران، زبان‌شناسی کاربردی معادلی برای آموزش انگلیسی به دیگران نیست. همان طوری که در صفحات بعد خواهیم دید در حوزه زبان‌شناسی کاربردی زمینه‌ها و حوزه‌های پژوهشی متعدد دیگری هم وجود دارند.

زبان، زبان‌شناسی کاربردی نیست ولی کاربرد دانش زبانی برای شناخت مسایل زبان پریشی، زبان‌شناسی کاربردی است. توصیف تطبیقی زبان‌ها، زبان‌شناسی کاربردی نیست ولی مطالعه نقش زبان در تبلیغات، زبان‌شناسی کاربردی است.

پس از بررسی این سه تعریف از زبان‌شناسی کاربردی، در مفهوم اول برای نشان دادن سیر تحول زبان‌شناسی کاربردی، بهتر است اشاره‌ای شود به سیر تحول زبان‌شناسی کاربردی در مفهوم دوم آن: «کاربرد یافته‌های پژوهش‌های زبان‌شناختی در حل مسایل آموزش زبان انگلیسی به بومیان دیگر زبان‌ها». در این معنی از عمر زبان‌شناسی کاربردی بیش از پنجاه سال نمی‌گذرد. ولی به دلیل یک تصادف تاریخی، شکوفایی دولت امریکا پس از جنگ جهانی و ضرورت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تحول زبان‌شناسی کاربردی در این مفهوم چنان ژرفا و گسترده‌گی پیدا کرد که نه تنها موجب تحولی در زبان‌شناسی نظری شد بلکه چندین حوزه پژوهشی جدید مثل فراگیری زبان دوم، دو زبانی، آزمون‌سازی، تجزیه و تحلیل کلام، مطالعه تطبیقی زبان‌ها، به وجود آمد که به شرح مختصری از این تحول می‌پردازیم:

حوزه پژوهشی آموزش انگلیسی به بومیان دیگر زبان‌ها (TESOL یا TEFL) تقریباً به طور همزمان از نیمه دوم دهه ششم قرن بیستم در دو کشور انگلیس و امریکا به صورت معادلی برای زبان‌شناسی کاربردی درآمد. در انگلیس شورای فرهنگی بریتانیا در نقش بازوی فرهنگی وزارت امور خارجه انگلیس به اشاعه زبان انگلیسی نخست در کشورهای مشترک‌المنافع و بعد در دیگر کشورها پرداخت. دانشگاه ایدنبورا در اسکاتلند اولین دانشکده زبان‌شناسی کاربردی را بنیاد نهاد تا در سطح بالا استاندانی برای تدوین برنامه‌های آموزشی و تربیت مربیان آموزش زبان انگلیسی تربیت کند. اولین نشریه تخصصی آموزش زبان انگلیسی به خارجیان (ELT Journal) در سال ۱۹۴۵ با همکاری شورای فرهنگی بریتانیا و انتشارات دانشگاه آکسفورد منتشر شده تا ناشر پژوهش‌های تازه شروع شده در این حوزه باشد. در امریکا مرکز مطالعات زبان‌شناسی کاربردی

## □ بررسی کدام مسایل در حوزه پژوهشی و مطالعاتی زبان‌شناسی کاربردی هستند؟

□ بعضی‌ها در برابر این پرسش پاسخی عملی و ملموس ارائه می‌دهند می‌گویند سیاهه‌ای از موضوعات و مباحثی که تحت این عنوان از آغاز تا به امروز در کتاب‌ها، دوره‌های تحصیلی دانشگاهی، کنفرانس‌ها و نشریات تخصصی مطرح بوده، می‌تواند پاسخی به پرسش بالا باشد. به عبارت دیگر، از این دید زبان‌شناسی کاربردی به موضوعات و مباحثی می‌پردازد که تحت این عنوان از آغاز تا امروز مورد مطالعه قرار گرفته و می‌گیرد. (Asher, R. E. Simpson. J. Y. R 1984: 163)

در ارتباط با این پاسخ به چند نکته باید اشاره کرد: نخست اینکه، تعداد و تنوع این موضوعات متعدد و زیاد است که تصور یک حوزه پژوهشی منسجم که همه این موضوعات در چهارچوب آن قرار گیرد مشکل است. نقش زبان و مفهوم کاربرد در هر یک از این موضوعات یکی نیست. مبارزه با بی‌سوادی، پردازش زبان به کمک کامپیوتر، ترجمه ماشینی، بررسی اشتباهات فرد در کاربرد زبان، تصمیم‌گیری معلم در کلاس آموزش زبان، زبان‌پریشی، زبان در تبلیغات و سیاست و ... همه از موضوعاتی هستند که زیر چتر زبان‌شناسی کاربردی مورد مطالعه و پژوهش قرار می‌گیرند. آیا نقش زبان در همه اینها یکی است؟ در هر کدام «کاربرد» چه معنی دارد؟

در بخش «ویژگی مشخصه زبان‌شناسی کاربردی» می‌کوشیم به پرسش‌هایی از این قبیل پاسخی ارائه دهیم. در اینجا ذکر این نکته لازم است که به علت تنوع کاربرد زبان در هر یک از این موضوع‌ها، دانش زبان‌شناسی که به یک اندازه در تمام این موضوع‌ها مفید و مربوط باشد نداریم. به عبارت دیگر همان طوری که قبلاً نیز اشاره شد دانش زبان‌شناختی مورد نیاز برای ابداع یک الفبای جدید با

دانش زبان‌شناختی لازم برای شرح ناهنجاری‌های رفتار زبانی یک فرد تفاوت زیادی باید داشته باشد.

نکته جالب اینکه اگر چنین نبود تمام علوم را می‌شد زیر چتر زبان‌شناسی کاربردی آورد. به گفته دیوید ویلکینز حوزه بالقوه زبان‌شناسی کاربردی خیلی وسیع‌تر از حوزه بالفعل آن می‌باشد.

در این قسمت اشاره مختصری می‌کنیم به چند زمینه مطالعاتی و پژوهشی که تحت عنوان زبان‌شناسی کاربردی قرار می‌گیرند. صرفاً به این دلیل که زبان نقش مهمی در این زمینه‌ها دارد و یا آنچه به طور ناخودآگاه از زبان می‌دانیم و یافته‌های علمی زبان‌شناسی در حل این مسایل مؤثرند.

## آموزش (یادگیری و یاد دادن) زبان دوم یا زبان خارجی

همان طوری که در بخش تحول زبان‌شناسی کاربردی اشاره شد در چهار دهه گذشته به تدریج آموزش زبان انگلیسی به بومیان دیگر زبان‌ها معادلی شد برای زبان‌شناسی کاربردی. منطق تعمیم آن به آموزش کلیه زبان‌ها وقتی که زبان آموز خود قبلاً یک زبان (زبان مادری) می‌داند این بود که توصیف یک زبان، نتیجه و هدف زبان‌شناسی است و شرط موفقیت هر زبان آموز دسترسی به این توصیف است، استفاده‌ای که از این منطق شده یکی این است که ارتباط خیلی نزدیک بین زبان‌شناسی و آموزش زبان وجود دارد و دیگر اینکه تعریف و شناخت زبان‌شناسی کاربردی به عنوان «کاربرد یافته‌های زبان‌شناسی برای حل مسایلی که زبان در آن نقشی دارد» مصداق عینی پیدا می‌کند. ایرادی که بر آن گرفته شده است یکی این است که زبان‌شناسی به هدفی متفاوت (اثبات یک نظریه و ماهیت زبان) به توصیف یک زبان می‌پردازد و در نتیجه از زبان و ابزار مناسب خود استفاده می‌کند و دوم اینکه برای موفقیت در آموزش زبان به شرایط و عواملی بیش از توصیف موجود از یک زبان نیاز است.

### زبان و برنامه‌ریزی آموزش رسمی کشور

از حوزه‌های مطالعاتی زبان‌شناسی کاربردی که در کشور ما کمتر مورد توجه بوده است نقش زبان و دانشی که از آن داریم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به آموزش رسمی در کشور می‌باشد.

- ارتباط زبان ملیت‌های مختلف در داخل کشور با زبان رسمی در کلیه امور به خصوص در آموزش رسمی چگونه باید باشد؟

- خواندن و نوشتن در چه سنی و چگونه باید آموزش داده شود؟

## از حوزه‌های مطالعاتی زبان‌شناسی

کاربردی که در کشور ما کمتر مورد توجه

بوده است نقش زبان و دانشی که از آن

داریم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به

آموزش رسمی در کشور می‌باشد

- زبان خارجی چرا باید در آموزش رسمی جایی داشته یا نداشته باشد؟ آموزش آن در چه مقطعی از آموزش رسمی شروع شود؟  
این پرسش‌ها و صدها پرسش نظیر اینها می‌توانند در حوزه مطالعاتی زبان‌شناسی کاربردی قرار بگیرند.

## زبان و ارتباطات

درک و شناخت بهتر زبان لازمه ارتباطات در مفهوم کلی خود می‌باشد. روزنامه، تلگراف، تلفن، تلویزیون، رادیو، کامپیوتر، تنها پیشرفت در فیزیک و الکترونیک نیستند.

درک درست ما از زبان و استفاده از آن ما را نه تنها در پیدایش این ابزار بلکه در استفاده بهینه از آن کمک می‌کند. ارتباطات در مفهوم کلی خود به درک درست ما از زبان بیشتر از این ابزار نیازمند است.

## زبان پریشی

همان‌گونه که رفتارهای مختلف انسان می‌تواند حالات روانی او را آشکار کند، رفتار زبانی انسان نیز می‌تواند روشنگر ذهن و ضمیر او باشد. ارتباط زبان و فکر، زبان و روان در حوزه‌های دیگری همچون فلسفه و روان‌شناسی مورد بحث و بررسی و پژوهش قرار می‌گیرند و موجب پیدایش نظریه‌های مهمی نیز درباره فراگیری زبان و ماهیت زبان شده‌اند. آنچه در زبان پریش مورد توجه است شناسایی منابع و عوامل زبان پریشی، شرح آنها و از بین بردن ناهنجاری‌های رفتار زبانی فرد است و برخلاف مطالعات نظری در روان‌شناسی زبان هدف ارایه فرضیه نیست بلکه نظر، تغییر وضعیت موجود می‌باشد.

## زبان‌شناسی کاربردی

### یک حوزه پژوهشی میان رشته‌ای است

## ترجمه (شفاهی و مکتوب)

شاید آنچه پس از آموزش زبان خارجی بیش از هر موضوع دیگر مورد توجه زبان‌شناسی کاربردی قرار گرفته است حوزه مطالعات ترجمه یا ترجمه‌شناسی است. در این حوزه دو نکته از دید زبان‌شناسی کاربردی حائز اهمیت بسیاری است: یکی ماشینی و کامپیوتری کردن ترجمه که می‌توانست گواه معتبر و بی‌چون و چرایی بر کاربردی بودن یافته‌های زبان‌شناسی باشد و زبان‌شناسی کاربردی را در مفهوم کم‌پهنا ولی کاملاً مشخص و روشن تثبیت کند. دیگری که اخیراً و در نتیجه تغییر کانون توجه ترجمه از بررسی متون ترجمه شده به بررسی مترجم مورد توجه قرار گرفته، روش پژوهش در زبان‌شناسی کاربردی است که در بخش ویژگی‌های زبان‌شناسی کاربردی شرح داده خواهد شد.

مطالعات تطبیقی زبان‌ها، دوزبانگی، زبان و توسعه، (آموزش) زبان‌های تخصصی ...، از دیگر حوزه‌های مهم در زبان‌شناسی کاربردی هستند که بررسی آنها را به زمانی دیگر موکول می‌کنیم.

## □ چه ارتباطی بین زبان‌شناسی نظری و زبان‌شناسی کاربردی وجود دارد؟

□ زبان‌شناسی نظری جدید وقتی در آغاز «روش علمی» را به عنوان روش پژوهشی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مورد نظر برگزید و شناخت ماهیت رفتار زبانی انسان را هدف خود قرار داد، به خاطر انتخاب این روش و این هدف مجبور شد فرضیه و نظریه‌های خود را معطوف و محدود به آن جنبه‌هایی از رفتار زبانی بکند که عینیت داشته، همچون «ماده» در علم فیزیک می‌شد آن را به روش علمی مطالعه کرد. در نتیجه بررسی نظام‌آوایی، نحوی و آن نوع «معنی» که از تغییراتی در این دو نظام به وجود می‌آمد، در حوزه مطالعاتی زبان‌شناسی نظری، و جنبه‌های دیگر زبان در حوزه مطالعاتی زبان‌شناسی کاربردی قرار گرفت. همان طوری که در بخش تحول زبان‌شناسی به آن اشاره شد این امر موجب شد در زبان و مسایل آن مثل دیگر علوم بین نظریه و عملکرد فاصله بیفتد. به طور سنتی در مطالعه زبان و مسایل آن، همیشه حل مشکلی مورد نظر بوده و اگر پس از حل مشکل دانشی به دست می‌آمده، صرفاً از آن برای حل بهتر مشکل یا مشکلی دیگر استفاده می‌شده است. فاصله بین نظریه و عملکرد موجب پیدایش نگرشی در زبان‌شناسی کاربردی شد که اصطلاحاً آن را کاربردشناسی زبان و کاربرد زبان‌شناسی می‌نامند که برخلاف زبان‌شناسی کاربردی هر دو متکی به فاصله بین عملکرد و نظریه و تقدم نظریه هستند. وظیفه مطالعات کاربردی را پیدا کردن کاربرد برای



## همان‌گونه که رفتارهای مختلف انسان می‌تواند حالات روانی او را آشکار کند، رفتار زبانی انسان نیز می‌تواند روشن‌گر ذهن و ضمیر او باشد

نظریه‌های به اثبات رسیده می‌دانند. این نوع ارتباط بین زبان‌شناسی نظری و زبان‌شناسی کاربردی ادامه داشت تا به دلایلی که ذکر مشروح آنها خارج از حوصله این نوشتار خواهد بود، زبان‌شناسی هدف خود را از مطالعه رفتار زبانی به مطالعه دانش زبانی یا کشف توانایی بالقوه انسان برای ایجاد ارتباط یا درک و بیان معنی و منظور عوض کرد. این تغییر موجب گسترده‌گی و ژرفای حوزه پژوهشی زبان‌شناسی شد. آنچه را زبان‌شناس نظری، به خاطر عدم کارایی روش علمی در مطالعه تمامی جنبه‌های زبان، به عهده زبان‌شناسی کاربردی گذاشته بود (مثل ششم زبانی، یادگیری زبان، توانایی بالقوه زبانی) دوباره خود به عهده گرفت. در حالی که این تغییر هدف و حتی روش مطالعه در زبان‌شناسی نظری موجب غنای زبان‌شناسی نظری شد ولی دوباره این پرسش مطرح شد که ارتباط بین زبان‌شناسی نظری و کاربردی چگونه است؟ آیا تقسیم‌بندی پیشین یعنی - آنچه را که به روش علمی می‌توان مطالعه کرد و علمی است زبان‌شناسی نظری و آنچه را که به روش علمی نمی‌توان مطالعه کرد، زبان‌شناسی کاربردی بنامیم - هنوز به قوت خود باقی است؟ آیا درست است که بگوییم هدف زبان‌شناسی نظری کشف و بیان ماهیت زبان و هدف زبان‌شناسی کاربردی کشف و شرح استفاده‌هایی است که انسان در زندگی خود از زبان می‌کند؟ در بخش آخر این مقاله به بیان این نکته می‌پردازیم که پاسخ به پرسش بالا در حد زیادی بستگی به درک درست ما از ماهیت زبان و هدف از مطالعه آن دارد.

البته «میان رشته‌ای بودن» برای زبان‌شناسی کاربردی شرط لازم است ولی کافی نیست. به طور مثال روان‌شناسی زبان، جامعه‌شناسی زبان، زبان را به ترتیب در ارتباط با روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌دهند ولی میان رشته‌ای نیستند. چون هدف بررسی تنها اثبات فرضیه‌های از پیش تدوین شده است و ما را به شناخت بهتر ماهیت ذهن انسان، جامعه هدایت می‌کنند. به عبارت دیگر این حوزه‌های مطالعاتی با وجود میان رشته‌ای بودن اگر روش مطالعه و هدف آنها کاربردی نباشند در حوزه زبان‌شناسی کاربردی نخواهند بود، تنها زبان را به خاطر زبان، منتهی در طیف وسیع‌تری از زبان‌شناس نظری مورد مطالعه قرار می‌دهند. از این نظر هم روان‌شناسی زبان نظری داریم و هم روان‌شناسی زبان کاربردی.

به اعتقاد این نوشته - نکته اصلی بحث - آنچه که زبان‌شناسی کاربردی را از دیگر حوزه‌های پژوهشی زبان و مسایل آن متمایز می‌کند، روش پژوهش آن است. روش پژوهش در زبان‌شناسی کاربردی مبتنی بر اصول و راهکارهای پژوهش علمی است. در پژوهش عملی، نخست شما با مسأله‌ای ملموس درگیر می‌شوید، راه حلی را برای آن آماده و آن را اعمال می‌کنید، نتیجه را بررسی و

نظریه‌های به اثبات رسیده می‌دانند. این نوع ارتباط بین زبان‌شناسی نظری و زبان‌شناسی کاربردی ادامه داشت تا به دلایلی که ذکر مشروح آنها خارج از حوصله این نوشتار خواهد بود، زبان‌شناسی هدف خود را از مطالعه رفتار زبانی به مطالعه دانش زبانی یا کشف توانایی بالقوه انسان برای ایجاد ارتباط یا درک و بیان معنی و منظور عوض کرد. این تغییر موجب گسترده‌گی و ژرفای حوزه پژوهشی زبان‌شناسی شد. آنچه را زبان‌شناس نظری، به خاطر عدم کارایی روش علمی در مطالعه تمامی جنبه‌های زبان، به عهده زبان‌شناسی کاربردی گذاشته بود (مثل ششم زبانی، یادگیری زبان، توانایی بالقوه زبانی) دوباره خود به عهده گرفت. در حالی که این تغییر هدف و حتی روش مطالعه در زبان‌شناسی نظری موجب غنای زبان‌شناسی نظری شد ولی دوباره این پرسش مطرح شد که ارتباط بین زبان‌شناسی نظری و کاربردی چگونه است؟ آیا تقسیم‌بندی پیشین یعنی - آنچه را که به روش علمی می‌توان مطالعه کرد و علمی است زبان‌شناسی نظری و آنچه را که به روش علمی نمی‌توان مطالعه کرد، زبان‌شناسی کاربردی بنامیم - هنوز به قوت خود باقی است؟ آیا درست است که بگوییم هدف زبان‌شناسی نظری کشف و بیان ماهیت زبان و هدف زبان‌شناسی کاربردی کشف و شرح استفاده‌هایی است که انسان در زندگی خود از زبان می‌کند؟ در بخش آخر این مقاله به بیان این نکته می‌پردازیم که پاسخ به پرسش بالا در حد زیادی بستگی به درک درست ما از ماهیت زبان و هدف از مطالعه آن دارد.

### ۴) کدام ویژگی می‌تواند ویژگی مشخصه زبان‌شناسی کاربردی باشد؟

هر یک از ویژگی‌های زیر نه به تنهایی بلکه دسته جمعی و ادغام یافته می‌توانند زبان‌شناسی کاربردی را از دیگر مطالعات و پژوهش‌های زبان‌شناختی متمایز سازند: میان رشته‌ای بودن، تجربه - محور بودن و ایجاد تغییر در وضع موجود.

زبان‌شناسی کاربردی یک حوزه پژوهشی میان رشته‌ای است. این از تعریفی که برای زبان‌شناسی

# اغلاط فاحش در زبان و قلم اهل فضل و پژوهش

من معتقد نیستم که اصلاح جزئی در زبان منشأ اثر مهمی باشد ولی به هر حال هیچکس و به خصوص درس خوانندگان نباید به غلط‌گویی و غلط‌نویسی تسلیم شوند. در زبان ما الفاظ و تعبیرهای نادرستی شایع و رایج است که حتی گاهی اشخاص باسواد هم به نادرست بودن آنها توجه ندارند. چند مورد از این تعبیرهای نادرست به عنوان نمونه ذکر می‌شود.

۱. انسجام در لغت به معنی روانی و سلاست است، اما معمولاً آن را به معنی هماهنگی و تناسب و پیوستگی به کار می‌برند.

داشتن دو لفظ «هست» و «است»  
از امتیازهای زبان فارسی است.  
این امتیاز به فیلسوفان ما کمک کرده است  
که نوری بر مباحث امور عامه و بحث وجود  
بیفکنند، ولی ظاهراً ما مایلیم که  
از این امتیاز صرف نظر کنیم

دوباره تصمیم می‌گیرید و عمل می‌کنید. وقتی مشکل کاملاً حل شد تجربه شما، نظریه شما است و قدرت نظریه و عمومیت آن بستگی به دفعات تجربه شما دارد. شکل شماره (۱) مراحل این نوع پژوهش را نشان می‌دهد. این هدفی است که زبان‌شناس کاربردی به دنبال آن است و این هدف یکی از ویژگی‌های عمده زبان‌شناسی کاربردی است.

## منابع:

۱. بانان صادقیان، ج ۱۳۷۰، زبان‌شناسی و زبان‌شناسی کاربردی، مجله زبان‌شناسی، سال هشتم، شماره ۱ و ۲، صفحه ۱۰۹-۱۲۱.
2. Bugarski, R, 1987. Applied Linguistics as Linguistics Applied. In: Tomic, O. M. and R. W. Shuy (Eds.) The relation of Theoretical to Applied Linguistics. Plenum Press, NY and London. 3 - 20
3. Catford, J. C. 1998. Language Learning and Applied Linguistics: A Historical Sketch. Language Learning 48, 465-496.
4. Pit Corder. 1873. Introducing Applied Linguistics, Penguin Edition. 157-198.
5. Strevens, P. 1992. Applied Linguistics: An Overview. In: Grabe, W. and R. Kaplan (Eds). Introduction to Applied Linguistics. Addison - Wesley Publishing Company. 13-32.
6. Van Els, T. 1984. Applied Linguistics and the Learning and Teaching of Foreign Languages. Edward Arnold. 1-12, 126-139.
7. Widdowson, H. G. 1984. An Exploration in Applied Linguistics (2) OUP. Oxford. 28-36.
8. Wiking, D. 1994. Applied Linguistics. In: Asher, R. E. and J. M. Y. Simpson. Pergamon Press. 162-172.

